

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف\* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شیری

۲۲ مارچ ۲۰۲۴

## پشتوانه نظامی دالره‌های نفتی دیگر کارآئی ندارد



صرفنظر از فشار زیاد بر مخالفان، انحصار «امریکائی» بر بازارهای جهانی طلای سیاه به لرزه درآمده است همانطور که می‌دانیم، در سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۵، پس از سلسله مذاکرات واشنگتن و پادشاه عربستان سعودی و سران کشورهای خاورمیانه عضو اوپک، توافق شد که فروش طلای سیاه توسط این کشورها منحصرأ با دلار امریکا انجام شود. به این ترتیب، نیم قرن پیش، دلار نفتی جایگزین دلار «طلائی» برتون وودز شد. زمان عیبی فرارسیده است. اگر قبلاً پول به واسطه طلا یا سایر منابع متعلق به کشور صادر کننده پول پشتیبانی می‌شد، اکنون یک طرح کاملاً جدیدی پدید آمده است: پول کشور صادرکننده (دلار امریکا) به واسطه منابع (نفت) سایر کشورها پشتیبانی می‌شود.

می‌گویند دلار با حفظ و حتی تقویت اعتماد سایر کشورها نسبت به خود، توانسته و جایگاه بالای خود را به عنوان یک ارز جهانی حفظ کند. در عین حال، در طول نیم قرن گذشته لحظات زیادی وجود داشته که دلار امریکا در آستانه از دست دادن وضعیت خود بوده است. و واشنگتن مجبور شده دلار را از طریق ابزارهایی که ربطی به اعتماد نداشت، نجات دهد. تهدید و استفاده از نیروی نظامی، ابزار حفاظت و تأمین امنیت دلار امریکا بود. برای تأیید آنچه گفته شد، چندین مثال ذکر می‌کنم:

داستانی یک ربع قرن پیش شروع شد. از موضوع تولد یک واحد پول اروپائی به نام «یورو» سخن می‌رود. این واحد پولی از اول جنوری ۱۹۹۹ وارد گردش غیرنقدی شد و از اول جنوری ۲۰۰۲ به صورت اسکناس و مسکوک وارد

گردش نقدی گردید. یورو جایگزین ارزهای ملی شد. یورو همچنین با نسبت ۱:۱ جایگزین واحد پول اروپا «ECU» شد که از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۸ در نظام پولی اروپا استفاده می‌شد. در ابتداء ۱۰ کشور اروپایی به یورو روی آوردند و به اصطلاح منطقه یورو را تشکیل دادند. اکنون منطقه یورو ۲۰ کشور از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا را در بر می‌گیرد.

اگر ارز «ECU» برای استفاده در «داخل» اروپا در نظر گرفته شده بود، اما یورو از ابتداء قرار بود برای تسویه حساب بین کشورهای اروپا با سایر کشورهای جهان استفاده شود. بقیه کشورهای جهان نیز می‌توانند از این ارز در تسویه حساب‌های متقابل استفاده کنند. ربع قرن پیش، جهان از تولد یورو به عنوان یک ارز جهانی که برابر با دلار آمریکا خواهد بود، استقبال کرد. بسیاری از کشورها که از دیکته‌های «امریکائی» خسته شده بودند، با اشتیاق از ظهور یورو استقبال کردند. یک انتخاب پدید آمد. به نظر می‌رسید یورو خوب شروع کرده است. به گونه‌ای که در سال اول پیدایش واحد پول اروپایی (۱۹۹۹)، ۱۷.۹ درصد از ذخایر ارزی کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول را تشکیل می‌داد. و این سهم در سال ۲۰۰۳ به ۳.۲۵٪ افزایش یافت. احتمالاً این افزایش در ذخایر یورو به حساب کاهش سهم دلار اتفاق افتاد: سهم آن در ذخایر جهانی طی دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۳ از ۷۰.۹ به ۸.۶۵٪ کاهش یافت.

بسیاری از کشورها نه تنها ذخایر دالری خود را به حساب پول اروپایی کاهش دادند، حتی در پرداخت‌های تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و سایر معاملات فرامرزی در حد ممکن از یورو استفاده کردند. در سال ۲۰۰۳، ۳۰ درصد از صادرات جهان با استفاده از یورو پرداخت می‌شد. درست است که سهم صادرات در منطقه یورو ۱۶٪ است. با این حال، ۱۴ درصد از صادرات جهانی به خارج از منطقه یورو هنوز با استفاده از یورو انجام می‌شد.

گذشته از این، یک بازار جهانی برای یک محصول بسیار مهم باقی ماند که ورود ارز جدید یورو به آن به شدت ممنوع بود. صحبت از بازار جهانی طلای سیاه در میان است که از اواسط دهه ۱۹۷۰ در انحصار دلار آمریکا بوده است.

البته کشورهای عضو اوپک و سوسه شدند که حداقل بخشی از درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خود را به یورو دریافت کنند. به ویژه تعدادی از کشورهای عضو اوپک با توجه به این که بخش عمده کالاهای مورد نیاز خود را از اتحادیه اروپا وارد می‌کردند. اما آن‌ها بخوبی درک می‌کردند که چنین چیزی را واشنگتن نمی‌پسندد و ممکن است به دلیل تضعیف انحصار دلار با برخی تحریم‌ها مواجه شوند. **با این حال، یک کشور تصمیم گرفت این کار را بکند - عراق. [یعنی، هر که با فدرال رزرو آمریکا در افتاد، و ر افتاد با هزار و یک دروغ و دغل... عراق، لیبیا، سوریه و... مترجم].**

صدام حسین، رئیس جمهور این کشور عربی، از مدت‌ها پیش، از اوایل دهه ۱۹۹۰، زمانی که واشنگتن و متحدانش به عملیاتی به نام «طوفان صحرا» دست زدند، روابط پُرتشنجی با واشنگتن داشت. اکنون قصد ندارم به جزئیات آن جنگ وارد شوم، اما فقط یادآوری می‌کنم که به این ترتیب واشنگتن تصمیم گرفت صدام حسین را که بدون توجه به آمریکا در منطقه به فعالیت شروع کرده است، در جای خود بنشانند و در عین حال، به دیگر کشورهای منطقه درسی بدهد تا فراموش نکنند که دست نشانده واشنگتن هستند.

صدام حسین مدت‌ها منتظر بود تا یک لحظه مناسب برای خروج از زیر فرمان آمریکا بیاید و همانطور که او تصور می‌کرد، ده سال پس از «طوفان صحرا»، یک فرصت واقعی برای آزادی عراق پدید آمد. این فرصت، عبارت از ظهور یورو به عنوان جایگزین دلار آمریکا بود. در پایان سال ۲۰۰۰، صدام حسین، رئیس جمهور عراق تصمیم گرفت که کشورش دیگر نفت را با دلار مبادله نکند؛ انحصار «امریکائی» باید با یک «اروپائی» به نام «یورو» جایگزین شود. علاوه بر این، صدام حسین برای چنین گذار، طرح‌هایی را با تعدادی دیگر از کشورهای خاورمیانه و آسیای در

میان گذاشت و آن‌ها موافقت کردند که عراق را دنبال کنند. منتها قرار بود عراق اول باشد. اطلاعات مربوط به این طرح‌ها از طریق اطلاعات در واشنگتن کشف شد. امریکا، از طریق رسانه‌های جهانی و سازمان ملل متحد، یک کارزار قدرتمند ضد عراقی ترتیب داد: بغداد به توسعه سلاح‌های کشتار جمعی متهم شد. کولین پاول، وزیر امور خارجه امریکا، در جلسه ویژه شورای امنیت سازمان ملل در ۵ فیروری ۲۰۰۳، سخنرانی کرد و شواهد گسترده‌ای مبنی بر این که عراق سلاح‌های کشتار جمعی را از بازرسان بین‌المللی پنهان می‌کند، ارائه داد. **[احتمالاً آرد نخودچی در یک لوله آزمایشگاه. مترجم]**. همه این‌ها تدارک برای انجام عملیات نظامی جدید علیه عراق و صدام حسین سرکش بود.

یک ماه و نیم بعد، در ۲۰ مارچ سال ۲۰۰۳، نیروهای ارتش‌های امریکا، انگلیس، استرالیا و پولند با نام رمز عملیات «آزادی عراق»، به عراق حمله‌ور شدند. هیأت حاکمه امریکا شک نداشتند که این بار نیروهای ائتلاف این کشور را که یکی از پنج کشور برتر از نظر ذخایر نفت (۲۰ میلیارد تن) است، اشغال می‌کنند و به کشورهای اوپک نشان می‌دهند که اگر برای جایگزینی دالر با یورو در تجارت طلای سیاه تصمیم بگیرند، چه بلایی سر آن‌ها می‌آید. به هر حال، سال بعد پاول اعتراف کرد که داده‌هایی که منتشر کرد، تا حد زیادی نادرست و اغلب جعلی بودند. او گفت: «گزارشم را با تکیه بر بهترین اطلاعاتی که سازمان «سیا» به من داده بود، در فیروری ۲۰۰۳ تهیه کردم. ... متأسفانه به مرور زمان مشخص شد که منابع نادرست و غلط و در برخی موارد عمداً گمراه‌کننده بوده‌اند. من عمیقاً از این موضوع مأیوس و متأسفم. **[بعد از اشغال استعماری، ویرانی و نابودی دولتمداری عراق، ترور و قتل و آواره کردن چند میلیون از مردم بی‌دفاع، علما، دانشمندان، مبارزان و مقامات این کشور، از جمله، خود صدام حسین و دو پسرش، جناب پاول تازه اظهار یأس و تأسف هم می‌کند. عجب! مترجم]**.

صدام حسین را در ۳۰ دسمبر ۲۰۰۶، روز عید قربان- عید بزرگ مسلمانان به طرز بی‌شرمانه‌ای اعدام کردند. سپس برخی خبرنگاران درباره این قتل چنین اظهار نظر کردند: مرگ حسین قربانی خدائی به نام دالر نفت بود. تمامی سران کشورهای عضو اوپک استفاده از یورو به عنوان جایگزین «دالر نفتی» را فراموش کردند. با این حال، یک شورشی دیگر در جهان عرب وجود داشت که نمی‌خواست خدای «دالرها نفتی» را پرستش کند. او جایگزین دیگری مطرح کرد. این شورشی معمر قذافی، رهبر لیبیا بود که پیشنهاد کرد جهان اسلام با استفاده از ارز جدید به نام «دینار طلائی» خود را از دالر امریکا رها کند. مقام رسمی قذافی از سال ۱۹۷۹ «رهبر برادری و رهبر انقلاب» بود. او به دنبال حق حاکمیت کامل کشور لیبیا به نام جماهیریه («حاکمیت توده‌ها») بود. در همان موقع، جماهیریه یک «کشور سوسیالیستی» اعلام شد.

در زمان قذافی، روابط لیبیا با اسرائیل، امریکا و انگلیس به بدتر شدن شروع کرد که به بمباران لیبیا توسط امریکا در سال ۱۹۸۶ و تحریم‌های اقتصادی منجر شد. این امر قذافی را بر آن داشت تا به دنبال راه‌هایی برای دور زدن تحریم‌های غرب باشد. یکی از راه‌های دور زدن تحریم‌ها (نه تنها برای لیبیا، بلکه برای هر کشوری که برای حق حاکمیت خود می‌جنگد، باید یک ارز جدید جایگزینی دالر امریکا باشد). به ویژه، مشخصاً در مورد دینار طلا صحبت شد.

معمر قذافی، رهبر لیبیا کشورهای عربی و افریقائی را به استفاده از ارز واحد- دینار طلا و امتناع از دالر و یورو فراخواند. سرهنگ قذافی پیشنهاد کرد که بر اساس دینار طلا یک کشور افریقائی متحد با ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت عرب-سیاهان تشکیل شود. ایده ایجاد واحد پول طلا و متحد کردن کشورهای افریقائی در یک کشور قدرتمند فدرال در سال ۲۰۱۰ از سوی تعدادی از کشورهای عربی و تقریباً همه کشورهای افریقائی مورد حمایت قرار گرفت. این

ابتکارات لیبیا را، امریکا و اتحادیه اروپا بشدت منفی ارزیابی کردند. به گفته سارکوزی، رئیس جمهور وقت فرانسه، «لیبیایی‌ها امنیت مالی بشریت را هدف گرفته‌اند». توصیه‌های مکرر رهبر انقلاب لیبیا نتیجه‌ای در پی نداشت. قذافی به منظور ایجاد افریقای متحد و رایج کردن دینار طلا گام‌های بیشتری برداشت.

در سال ۲۰۱۱، تجاوز غرب به لیبیا تحت پوشش «قیام مردمی» (یا «انقلاب مخملی- بهار عربی») آغاز شد. برای پنهان کردن دلایل واقعی راهاندازی «آشوب مدیریت شده»، دو نسخه ارائه شد: رسمی- حمایت از حقوق بشر، غیر رسمی- تلاش برای قاپیدن نفت از قذافی. هر دو نسخه غیر واقعی بود. واقعیت این بود که معمر قذافی نسبت به دالر امریکا تزلزل نشان می‌داد. در اینجا، لازم است به یک ویژگی مهم لیبیا اشاره کنم و آن این که بانک مرکزی لیبیا یک نهاد دولتی و تابع دولت بود. این ویژگی بانک مرکزی لیبیا آن را از سایر بانک‌های مرکزی که ظاهراً وضعیت «مستقل» داشتند، اما عملاً تابع انترناسیونال مالی جهانی- «اربابان پول» (سهامداران اصلی ساختار فدرال رزرو امریکا) بودند، متمایز می‌کرد. البته، این موضوع نخبگان مالی جهانی را به شدت آزار می‌داد. زیرا، آن‌ها از فرصت تأثیرگذاری مؤثر بر لیبیا که از طریق بانک مرکزی استقلال خود را تضمین می‌کرد، محروم شده بودند.

قابل توجه این است که چند هفته پس از این که شورشیان رژیم قذافی را به نبرد فرا خواندند، بانک مرکزی خود را بدون تشکیل دولت خود ایجاد کردند. شورای به اصطلاح ملی انتقالی در جلسه خود در ۱۹ مارچ ۲۰۱۱ تصمیم گرفت برای مدیریت کل سیاست پولی لیبیا یک بانک مرکزی با مقر موقت در بنغازی ایجاد کند. **ر. و نترول، اقتصاددان** نوشت: «این نشان می‌دهد که ما نه تنها با گروهی از شورشیان سازمان‌یافته، بلکه با نیروهای پیچیده‌تری هم سر و کار داریم. من هرگز نشنیده‌ام که بانک مرکزی تنها چند هفته پس از شروع یک خیزش حتی مردمی ایجاد شود».

جی. کارنی، سردبیر CNBC، از تعجیل در ایجاد یک بانک مرکزی جایگزین لیبیا شگفت‌زده شد. او نوشت: آیا یک گروه انقلابی ابتداء در میانه مبارزه با یک قدرت سیاسی ریشه‌دار می‌تواند بانک مرکزی خود را ایجاد کند؟ در همه حال این نشان می‌دهد که مدافعان بانک‌های مرکزی در دوران معاصر چقدر قدرتمند شده‌اند (نقل از: «ابتکار طلائی قذافی به عنوان مشکلی برای نظم نوین جهانی» به قلم اولینا اموزوا). قذافی کشته شد و این قتل برای نمایش بود و برای ترساندن رهبران کشورهای دیگر طراحی شد که قصد داشتند انحصار دالر امریکا را تضعیف نمایند و بانک‌های مرکزی خود را از کنترل «اربابان پول» خارج سازند [اربابان پول برای اطمینان از ترور فوج سرهنگ قذافی، هیلری کلینتن، یکی از خونخوارترین قابله‌های جنگ را به لیبیا فرستاد. هنگامی که دشمنه‌آجین شدن قذافی به دست مأموران امنیتی فرانسه را به او «هدیه» کردند، او همچون روسپیان بی‌شرم خنده‌کنان گفت: ما آمدیم، ما دیدیم، او مُرد. مترجم].

شایان ذکر است که واشنگتن در تلاش برای نشان دادن رهبران نافرمان سایر کشورها به جای خود، معمولاً به ابزارهایی مانند تحریم‌های اقتصادی در قالب «تجمع» ذخایر دالری، مسدود کردن پرداخت‌ها و تسویه حساب‌ها به ارز امریکائی متوسل می‌شود. اما این امر رهبران سرکش را بیشتر وادار می‌کند تا به دنبال جایگزین‌هایی برای دالر امریکا باشند. بارزترین نمونه ایران است که غرب آن را از سال ۱۹۷۹ تحت تحریم‌های دائمی قرار داده است. به ویژه این که پرداخت‌های مبادلات صادرات و واردات ایران را مسدود کردند. در نتیجه، ترکیه همسایه به پرداخت طلا به ازای گاز طبیعی وارداتی از ایران روی آورد. در این باره «وال استریت ژورنال اروپا» گزارش داد. این مجله می‌نویسد: «برای پرداخت گاز ایران، به ارزش میلیاردها دالر طلا از اقتصاد ترکیه خارج شده است... روی آوردن دو کشور به پرداخت طلا به ازای عرضه گاز، پیامد تحریم‌های امریکا است که اقدامات سختی را علیه کشورهای ثالث که از دالر در تجارت با تهران استفاده می‌کنند، اعمال می‌کند. روی آوردن انقره به شمش‌های طلا به ترکیه این امکان را داد که از

«مجازات» و اشنگن اجتناب کند. البته، چنین تجارت نیز رژیم تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده علیه ایران را نقض نمی‌کند». در ۹ ماه نخست سال ۲۰۱۲، خروج طلا از ترکیه به رکورد ۱۰.۷ میلیارد دلار رسید. از این مقدار ۶.۴ میلیارد دلار طلا به ایران عرضه شد.

نخستن نشانه‌های دال بر آغاز واقعی تضعیف انحصار دلار آمریکا در بازارهای جهانی طلای سیاه، دو سال پیش پدیدار شد. پس از شروع عملیات نظامی ویژه روسیه در اوکراین در ۲۴ فبروری ۲۰۲۲، غرب جمعی تحریم‌هایی را علیه فدراسیون روسیه اعلام کرد. پس از این، روسیه به عرضه طلای سیاه با یوان، روپیه، لیر ترکیه، درهم و سایر ارزها شروع کرد و بشدت از دلار آمریکا (و همچنین، از سایر ارزهای «سمی») فاصله گرفت. روسیه یک نماد و نمونه برای سایر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت است.

به گزارش جی پی مورگان، در سال ۲۰۲۳، ۱۲ قرارداد تجاری عظیم به ارزهای غیر از دلار آمریکا منعقد شده است. برای مقایسه: در سال ۲۰۲۲ هفت تراکنش و در دوره بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ – فقط دو تراکنش از این دست انجام شد. بنا به برآورد جی پی مورگان، سهم تجارت جهانی نفت با ارزهای غیر از دلار در سال ۲۰۲۳ به حدود ۲۰ درصد رسید. آفتاب تا ابد در پشت ابر پنهان نمی‌ماند و دلار نفتی نیز.

نقل از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۲ فروردین- حمل ۱۴۰۳

\*\*\*\*\*

\* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل پشت صحنه